

سانسور
و
آزادی مطبوعات

کارل مارکس

ترجمه‌ی حسن مرتضوی



نشر اختران

مارکس، کارل، ۱۸۱۸ - ۱۸۸۳.
سانسور و آزادی مطبوعات / کارل مارکس؛ ترجمه‌ی حسن مرتضوی. - تهران:
اختران، ۱۳۸۳.

ISBN 964-7514-63-8

۱۳۶ ص. -- (اختران؛ شماره ۷۴)

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. آزادی مطبوعات. ۲. قانون مطبوعات. ۳. کتابهای ممنوعه. ۴. سانسور. الف.
مرتضوی، حسن، ۱۳۴۰ - ، مترجم. ب. عنوان.

۳۲۳ / ۴۴۵

س ۲ / ۵۹۸ JC

۳۹۸۰۶ - ۸۳ م

کتابخانه ملی ایران

این اثر ترجمه‌ی است از:

Comments on the Latest Prussian Censorship Instruction & Proceedings
of the Sixth Rhine Province Assembly. First Article. Debates on
Freedom of the Press and Publication of the Proceedings of the
Assembly of the Estates. Marx-Engels Collected Works, Vol. 1



نشر اختران

سانسور و آزادی مطبوعات

نویسنده: کارل مارکس

مترجم: حسن مرتضوی

چاپ اول ۱۳۸۴

شماره نشر ۷۴

شمارگان ۳۰۰۰ نسخه

چاپ فرشیوه

تلفا کس: ۶۴۱۰۳۲۵ - تلفن کتاب فروشی: ۶۴۱۱۴۲۹ - ۶۹۵۳۰۷۱

<http://www.akhtaranbook.com>

E-mail: info@akhtaranbook.com

ISBN 964-7514-63-8

شابک: ۹۶۴-۷۵۱۴-۶۳-۸

کلیه حقوق برای نشر اختران محفوظ است

فهرست

- ۷ یادداشت مترجم
- ۱۳ تفسیرهایی درباره‌ی آخرین دستورالعمل سانسور پروس
- بحث‌هایی درباره‌ی آزادی مطبوعات
- ۵۱ و انتشار صورت‌جلسه‌ی مجلس طبقات
- ۱۳۵ یادداشت‌ها

یادداشت مترجم

آلمان پس از جنگ‌های ناپلئونی نویدبخش پارلمان‌های ایالتی مبتنی بر قانون اساسی بود. در ۱۸۲۳ در پروس هشت پارلمان از این دست تشکیل شد که به مجالس طبقات معروف بودند. این مجالس شامل سران خانواده‌های شاهزادگان، نمایندگان طبقه‌ی شهبازان (اشراف)، شهرها و جوامع روستایی بودند. نظام انتخاباتی برپایه‌ی اصل مالکیت زمین سبب شده بود که اکثر نمایندگان مجلس از اشراف باشند. صلاحیت این مجالس به بررسی و تصمیم‌گیری درباره‌ی مسائل محلی و مدیریت محدود بود. آن‌ها همچنین حق داشتند نظرات خود را درباره‌ی لوایحی که دولت برای بحث به مجلس ارائه می‌کرد ابراز کنند. در واقع، نمایندگان چنین مجالسی مشاورانی فاقد قدرت بودند که تنها با تصمیم حکومت فرا خوانده می‌شدند و سپس جلسات خود را در خفا برگزار می‌کردند. علاوه بر این، برای تصویب لوایح به اکثریتی برابر با دوسوم نمایندگان نیاز بود؛ با توجه به این که طبقه‌ی شهبازان (اشراف) ۲۷۸ کرسی از ۵۸۴ کرسی پارلمان را در اختیار داشتند (نمایندگان شهرها ۱۸۲ کرسی و نمایندگان روستاها ۱۲۴ کرسی را در اختیار داشتند)، هرگز قانونی بر ضد تمایل اشراف تصویب نمی‌شد.

پارلمان در ۱۷ سال حکومت فریدریک ویلیام سوم جمعاً پنج بار تشکیل جلسه داد. فردریک ویلیام چهارم در سال ۱۸۴۱ به تاج و تخت رسید و دستور داد که پارلمان هر دو سال یکبار تشکیل جلسه دهد و مخفی‌کاری حاکم بر آن برداشته شود. نخستین پارلمان در دوران

حکومت او (و به عبارتی ششمین پارلمان) در شهر دوسلدورف از ۲۳ مه تا ۲۵ ژوئیه برگزار شد.

در همان سال پزشکی به نام یوهان یاکوبی جزوه‌ای با عنوان «پاسخ به چهار پرسش اهالی پروس شرقی» انتشار داد که خواهان اعلان قانون اساسی وعده داده شده پس از شکست نهایی ناپلئون در ۱۸۱۵ بود. یاکوبی را به دلیل طرح این خواست به خیانت متهم کردند اما همین راه را برای طرح بحث‌های مربوط به سانسور گشود.

در مارس ۱۸۴۲، روزنامه‌ی رسمی دولتی به نام پروسیشه آلگماینه اشتاتزسایتونگ مجموعه مقالاتی را در حمایت از سانسور انتشار داد با این دستاویز که «ذهن مردم را درباره‌ی نیات واقعی دولت روشن سازد.» در این مجموعه مقالات دستورالعمل جدید حکومت پروس درباره‌ی سانسور که در ۲۴ دسامبر ۱۸۴۱ انتشار یافته بود، توضیح داده شده بود. تفسیرهایی درباره‌ی آخرین دستورالعمل سانسور پروس که نخستین مقاله‌ی مجموعه‌ی حاضر است، نخستین اثری است که مارکس به عنوان یک روزنامه‌نگار انقلابی نوشته است. مقاله‌ی مارکس بلافاصله پس از انتشار دستورالعمل در روزنامه‌ها میان ۱۵ ژانویه و ۱۰ فوریه ۱۸۴۲ نوشته شد. قرار بود این مقاله در سالنامه‌ی آلمانی به سردبیری آرنولد روگه، دوست و همکار مارکس، منتشر شود اما به دلیل محدودیت‌های سانسور تنها در سال ۱۸۴۳ در سوییس در مجله‌ی *Anekdoten zur neuesten deutschen Philosophie und Publicistik* انتشار یافت. مطالب این مجله آثار نویسندگان اپوزیسیون را که عمدتاً از هگلی‌های جوان بودند در برمی‌گرفت.

گزیده‌هایی از این مقاله‌ی مارکس در مانهایمر آبنشتایتونگ، شماره‌های ۷۱ و ۷۲، به ترتیب در تاریخ ۲۶ و ۲۸ مارس ۱۸۴۳، انتشار یافت. در ۱۸۵۱، هرمان بکر، عضو اتحادیه‌ی کمونیستی، تلاش

کرد تا مجموعه آثار مارکس را در کلن انتشار دهد. به ابتکار نویسنده، نخستین مطلب آن مجموعه این مقاله‌ی مارکس بود. با این همه، حکومت انتشار آن مجموعه را نیز متوقف کرد. نخستین ترجمه‌ی انگلیسی این مقاله در نوشته‌های مارکس جوان درباره‌ی فلسفه و جامعه، نیویورک، ۱۹۶۷، صص. ۶۷-۹۲، و گزیده‌ای از آن در متون نخستین کارل مارکس، آکسفورد، ۱۹۷۱، صص. ۲۶-۳۰، انتشار یافت.

مقاله‌ی دوم این مجموعه با عنوان بحث‌هایی درباره‌ی آزادی مطبوعات و انتشار صورت‌جلسات مجلس طبقات به مباحث مربوط به انتشار صورت‌جلسات مجالس ایالتی (این حق توسط منشور سلطنتی ۳۰ آوریل ۱۸۴۱ داده شده بود) و آزادی مطبوعات می‌پردازد که در آن زمان در عریضه‌های شماری از شهرها مطرح شده بود.

مارکس سه مقاله را به بحث‌های دوره‌ی ششم مجلس ایالتی راین اختصاص داده بود که از آن تنها دو مقاله، مقاله‌ی نخست و سوم، انتشار یافتند. در مقاله‌ی نخست به نقد سانسور پروس پرداخت که از مقاله‌ی انتشار نیافته‌اش با عنوان «تفسیرهایی بر آخرین دستورالعمل سانسور» شروع کرده بود. دومین مقاله را که به کشمکش دولت پروس با کلیسای کاتولیک اختصاص داشت، سانسورچی‌ها ممنوع اعلام کردند. دست‌نوشته‌ی این مقاله باقی نمانده اما خطوط کلی آن در نامه‌ی مارکس به روگه در ۹ ژوئیه ۱۸۴۲ مطرح شده است (برای شرح خلاصه‌ای از آن به کتاب کارل مارکس، زندگی و دیدگاه‌های او، مرتضی محیط، نشر اختران، ۱۳۸۲، صص. ۱۲۲-۱۲۳ رجوع کنید). سومین مقاله به بحث‌های مربوط به مجلس ایالتی راین درباره‌ی قانون دزدی چوب اختصاص داشت.

این مقالات نخستین فعالیت مطبوعاتی مارکس برای روزنامه‌ی

خود را در این روزنامه به عنوان مقاله‌نویس آغاز کرد و در اکتبر ۱۸۴۲ یکی از دبیران این روزنامه شد. این مقاله، به دلیل مضمون و برخورد با مسائل سیاسی حیاتی، به روزنامه که از طرف اپوزیسیون بورژوازی راین به عنوان ارگانی لیبرالی تاسیس شده بود، کمک کرد تا گذار به مواضع انقلابی - دمکراتیک را آغاز کند.

انتشار مقاله‌ی مارکس در روزنامه واکنش مساعدی را در محافل ترقی‌خواه پدید آورد. ژرژ یونگ، مدیر راینیشه تسایتونگ، در نامه به مارکس نوشت: «مقاله‌ی شما درباره‌ی آزادی مطبوعات بسیار خوب است... مه‌ین نوشته است که راینیشه تسایتونگ بر سالنامه‌ی آلمانی سایه انداخته است... و در برلین همه از خواندن آن غرق شادی شدند» (مجموعه آثار کارل مارکس و فریدریش انگلس، بخش ۱، جلد ۱، دفتر ۲، ص. ۲۷۵). آرنولد روگه در تفسیرهای خویش بر مقاله که در راینیشه تسایتونگ منتشر شده بود، نوشت: «مطلبی عمیق‌تر و استخوان‌دارتر از این مقاله درباره‌ی آزادی مطبوعات و در دفاع از آن گفته نشده و نمی‌توانست گفته شود» (سالنامه‌ی آلمانی، ۱۸۴۲، صص. ۵۳۵ - ۵۳۶).

در اوایل دهه‌ی ۱۸۵۰ مارکس این مقاله را در مجموعه آثار خود که در آن زمان هرمان بکر برای انتشار آماده می‌کرد گنجانده بود. با این همه، فقط مدخل مقاله در نخستین مجلد آن انتشار یافت. بخش عمده‌ی متن که در شماره‌ی ۱۳۹ راینیشه تسایتونگ چاپ شده بود در آن مجموعه انتشار نیافت. پایان مقاله برای جلد بعدی مجموعه در نظر گرفته شده بود که هرگز چاپ نشد.

نسخه‌ای از راینیشه تسایتونگ که مارکس از لندن به کلن برای بکر در فوریه ۱۸۵۱ همراه با یادداشت‌های نویسنده بر متن مقاله فرستاده

(عمدتاً به شکل خلاصه) و قرار بود در کتابی انتشار یابد که بکر در حال آماده کردن آن بود، در بایگانی‌های کتابخانه‌ی دانشگاه کلن یافت شده است. این نسخه‌ی روزنامه ثابت می‌کند که مارکس در فکر انتشار – تا حدی به شکل خلاصه‌شده‌ی – بسیاری از مقالاتی بود که برای راینیشه تسایتونگ نوشته بود. در زبان انگلیسی خلاصه‌ای از صورت‌جلسات در کتاب کارل مارکس، متون اولیه، آکسفورد ۱۹۷۱، صص. ۳۵-۳۶، انتشار یافته است.

ترجمه‌ی کنونی دو مقاله‌ی یادشده از مجموعه آثار ده‌جلدی کارل مارکس و فریدریش انگلس به زبان انگلیسی، جلد اول، انتشارات بین‌الملل نیویورک و انتشارات پروگرس مسکو، ۱۹۷۵، انجام شده است. سپس آقای کاوه بویری تمام متن را به طور کامل با متن آلمانی آن مقایسه و تغییرات بسیاری را از لحاظ معنا و مفهوم و نیز سیاق جملات و عبارات اعمال کردند که همین‌جا از ایشان بسیار سپاسگزارم. همچنین از آقای کمال خسروی سپاسگزارم که در مورد مقاله‌ی اول پیشنهادات ارزنده‌ای دادند. از دوستان دیگری که ضمن خواندن کل متن نکاتی را پیشنهاد کردند ممنونم.

مطالب این پیشگفتار با استفاده از مطالب مندرج در سایت www.marxists.org و یادداشت‌های ناشر مجموعه‌ی آثار مارکس و انگلس نوشته شده است.